



راه‌های زمینه‌ساز جامعه برای انتظار مهدی (عج)

حسین هرسیج*

زهرا صادقی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۷/۲۳

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۱۰/۵

چکیده:

فراهم آوردن زمینه‌های ظهور، از جمله شرایط ظهور به حساب می‌آید و تا زمینه ظهور فراهم نشود، حضرت مهدی - علیه‌السلام - ظهور نخواهد کرد. حال باید توجه داشت که برخی از شرایط ظهور، با گذشت تاریخ و ظلم و جور انسان‌ها، پیشرفت علم و دانش بشری و در نتیجه آگاهی مردم دنیا و ناامید شدن مردم از نحل‌ها و مذهب‌های بشری و حکومت‌های مختلف فراهم می‌شود؛ و باید برخی دیگر از آنها به دست ما انسان‌ها و دوستداران آن حضرت فراهم آید. گسترش فرهنگ انتظار در جامعه یکی از راه‌های مؤثر در این ارتباط است که از طریق نهادهای آموزشی و ارتباطی انجام‌پذیر است. تحول روحیه فردی گامی مؤثر در ایجاد انقلاب در جامعه می‌باشد، چرا که از این طریق با افراد جامعه با وحدتی که در آن ایجاد می‌شود، می‌توانند زمینه‌های ظهور را ایجاد کنند. بر این اساس این سؤال مطرح می‌شود که چگونه و از چه طریق می‌توان زمینه‌های ظهور و انتظار را در بین افراد جامعه ایجاد کرد؟

هدف مهمی که در این مقاله دنبال می‌شود گسترش زمینه‌های ظهور حضرت مهدی (عج) در جامعه است که سعی می‌شود اشاره‌ای به این نکته شود.

امروزه با توجه به گسترش علم و تکنولوژی در جامعه؛ رهبران دینی تقویت ما سعی می‌کنند از طریق نهادهای آموزشی به‌ویژه گسترش فرهنگ اسلامی در میان مردم به هر چه بیشتر شدن فرهنگ انتظار در جامعه توفیق یابند. لازمه این کار در ابتدا؛ شناخت زمینه‌های ظهور و در مرحله بعد ترویج این زمینه‌ها در جامعه است که شرط تقویت این زمینه‌ها؛ فرهنگ‌سازی در جامعه می‌باشد که این کار می‌باید توسط متولیان فرهنگی و نهادهای آموزشی انجام گیرد.

واژگان کلیدی: انتظار، مهدویت، فرهنگ، آموزش راهبردی، اسلام.

* دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان Email: harsiz@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان Email: z.sadeghei@gmail.com

ساخت جامعه منتظر

انتظار به لحاظ مفهومی و ذهنی دارای ساختی تا حدودی منسجم و بیان‌کننده یک نظام نسبتاً هماهنگ از روابط بین پاره‌ای از عناصر هستند. اگرچه این روابط نیز به‌خوبی تبیین و روشن نشده است. عمده بسط مفهومی انتظار نیز از ناحیه احادیث و روایات پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) انجام گرفته است. در بحث جامعه منتظر هم چنین است. چنانچه خواهیم به لحاظ نظری و مفهومی ویژگی‌های این جامعه را ترسیم کنیم چاره‌ای نداریم جز مراجعه به معارف حقه معصومین(ع) و بیاناتی که آن بزرگواران در ابعاد جامعه مهدوی و متناسب با آن برای جامعه منتظر ظهور بیان کرده‌اند. ولی هنگامی که از سطح مفهومی به سطح عینی و تحقق خارجی رجوع می‌کنیم نتایج چندان رضایت‌بخش نیست. همانگونه که ذکر شد در این زمینه به دلایل گوناگون (که خود مطالعه و تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد) با نوعی تأخر و ایستایی روبرو هستیم. چنانچه تاریخ سی‌ساله پس از انقلاب اسلامی را نادیده بگیریم، کنش‌های معطوف به مفهوم انتظار در تاریخ جامعه شیعه عمدتاً در سطح کنش‌های فردی معطوف به ماوراء طبیعه بوده است (همانند ادعیه، ارتباطات خاص با گذشتگان و...) و اصولاً این نوع رفتارها را نمی‌توان به وجه اجتماعی معرفی نمود (مبتنی بر هر دو تعریف ذکر شده). در واقع رفتارهای اجتماعی مبتنی بر مفهوم انتظار چه در سطح خرد آن و چه در سطح کلان بسیار نادر بوده‌اند. با تعاریفی که قبلاً ذکر شد نه تنها نمی‌توان سخن از ساخت یافتگی کنش‌های اجتماعی پیرامون انتظار سخن گفت، بلکه به نظر صحبت از ساخت‌های کلان و جامعه منتظر در مقام تحقق خارجی و زمینه‌ساز ظهور تا حدودی بی‌مورد جلوه می‌کند.

متأسفانه فقدان الگوهای روشن تعامل اجتماعی در زمینه انتظار مانع جدی در شکل‌گیری ساخت‌های میانی و کلان تا قبل از انقلاب اسلامی ایران در این زمینه بوده است. صرف نظر از برخی فعالیت‌های جمعی همانند جشن‌ها و برگزاری مراسم خاص مانند دعای ندبه و... اکثر کنش اجتماعی مرتبط با مسئله انتظار و مهدویت که از سطح فردی فراتر رفته و منجر به اقدام جمعی و گاهی تشکیلاتی شده است، به‌نوعی دچار انحراف، خرافات و عوام‌زدگی شده‌اند که نمونه‌های تاریخی این موارد

برای آماده‌سازی زمینه‌های ظهور می‌باید اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت مشخص شود و در این اهداف می‌باید ارزش و مبانی اعتقادی اسلامی را در نظر گرفت. چرا که ایجاد زمینه ظهور بدون شکل‌گیری وحدت با تکیه بر ارزش‌های اصیل دینی امکان‌پذیر نیست. در تقدم همه این اهداف، گسترش فرهنگ انتظار در جامعه بیش از همه اهمیت دارد که گسترش این فرهنگ دینی بر عهده رهبران دینی است که آنها تاکنون در این زمینه نقش بسیار فعالی داشتند.

اعتقاد به ظهور منجی عالم و نیاز به آمادگی برای انقلابی جهانی، چنان ضروری است که بزرگان ما انتظار را راهبردی مهم در این برهه از زمان می‌دانند. انتظار دوره آماده‌سازی فردی و اجتماعی به‌شمار می‌آید که زمینه‌ساز انقلاب جهانی منجی عالم است. هر حرکت و انقلابی که این دوره را پشت سر گذاشته باشد، ناقص بوده و به نتیجه نخواهد رسید. هر انقلابی که دوره انتظار و آماده‌سازی نداشته باشد و براساس جو محیط و جریان حاکم حرکت کند، در همان گام‌های اول در زیر بار فشارها و ابهام‌ها گرفتار می‌شود. انسان منتظر باید در زندگی فردی و اجتماعی طرح راهبردی و نقشه داشته باشد و بر این اساس حرکت کند و خود و محیط اطرافش را آماده سازد. طرح راهبردی براساس اهداف مشخص شده شکل می‌گیرد و اهداف براساس معیارها و ارزش‌های اعتقادی مشخص می‌شود. انسان معتقدی که در محیط اطراف خود ظلم، فساد و بی‌عدالتی می‌بیند، نمی‌تواند به آن بی‌اعتنا باشد. برای مقابله با آن باید آگاهانه برنامه‌ریزی و عمل نماید.

برای آماده‌سازی زمینه‌های ظهور، باید راهبردهای مختلف شناسایی و بررسی شود و بهترینشان انتخاب گردد. برای این کار باید این راهبردها را از نظر محاسن، معایب، هزینه‌ها و منافع بررسی کرد و برحسب اهمیت به ترتیب اولویت‌بندی کرد. راهبرد آماده‌سازی مقدمات ظهور موجب می‌شود جامعه با طی مراحل تدریجی، از حالت کنونی خود پا را فراتر بگذارد و به اهداف مورد نظر خود دست یابد.

در این تحقیق سعی می‌شود راه‌های دستیابی به این اهداف که همانا گسترش فرهنگ انتظار می‌باشد را بیان کرد.

به‌خصوص در صد و پنجاه سال اخیر کم نیستند.

شاید دلایل تاریخی و اجتماعی متعددی را بتوان برای این تأخر بیان کرد؛ ولی به‌نظر می‌رسد هم‌پوشی و شباهت بین معارف دینی و مذهبی به‌صورت عام و اعتقادات و باورهای مبتنی بر ظهور منجی به‌صورت خاص و عدم درک تفاوت‌های بین این دو، یکی از موانع شکل‌گیری و تراکم کنش‌های اجتماعی در زمینه انتظار و مهدویت بوده است. در واقع در نگاه بیرونی به یک جامعه شیعه که معتقد به ظهور منجی است و یک جامعه مسلمان بدون این باورها تفاوت قابل‌اعتنایی مشاهده نمی‌شود، زیرا این باورها و اعتقادات زمینه مناسب برای ظهور و نمود اجتماعی خود را نیافته و به‌تبع تأثیر متناسب با خود در فضای جامعه ایجاد نمی‌کند.

به نظر می‌رسد هنگامی می‌توان یک جامعه دینی را به وصف منتظر توصیف کرد که روح و معنای انتظار با تمام ویژگی‌های آن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در جهت دادن به کنش‌های خرد و کلان حضور داشته باشد و در غیر این‌صورت بدون آمادگی و ایجاد ساختارهای خرد و کلان حداقل در یک نمونه کوچک در نظام جهانی، توقع ظهور انتظار غیرمنطقی و غیرعقلایی جلوه می‌کند. شاید عدم شکل‌گیری و فقدان همین ساختارها و چارچوب‌های اجتماعی لازم برای تحقق اهداف متعالی ائمه هدی (ع) در زمان حضور ایشان یکی از دلایل غیبت آخرین امام باشد و تا تحقق نسبی آن از سوی منتظران این غیبت طول بکشد.

به تعبیر استاد شهید مطهری «برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود این است که این انقلاب صرفاً ماهیت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعیض‌ها و اختناق‌ها و حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است... بنابراین هر گناه و فساد و ظلم و حق‌کشی به حکم اینکه مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب‌الوقوع می‌کند رواست» . از سوی دیگر در تأیید وجود ساختارهایی برای شروع انقلاب مهدوی می‌فرمایند «در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند... معلوم می‌شود زمینه‌های عالی وجود دارد که چنین گروه زبده

را پرورش می‌دهد... این مسئله می‌رساند که اهل حق از نظر کیفیت ارزنده‌ترین اهل ایمانند... در برخی روایات اسلامی سخن از دولتی است از اهل حق که تا قیام مهدی (عج) ادامه پیدا می‌کند» (مطهری، ۱۳۵۷: ۴۵).

هنگامی که ویژگی‌های مفهوم انتظار و ابعاد آن را مرور می‌کنیم، ضرورت ایجاد ساختارهای مناسب برای تحقق آنها به‌روشنی مشهود است. در واقع هیچ کدام از آنها ماهیتی فردی و شخصی ندارد تا صرفاً در قالب‌های خرد رفتاری امکان تحقق جمعی فراهم شود.

در یک نظام اجتماعی ایدئال، کنش‌های اجتماعی متقابل منجر به ایجاد و دوام ساختاری متناسب خود و ساخت‌های شکل گرفته شده هم به تقویت و انسجام کنش‌های اجتماعی در سطوح مختلف می‌پردازند.

در تاریخ شکل‌گیری جوامع و نظام‌های اجتماعی جدید، شاید بتوان دو روش خاص را در این زمینه از هم تفکیک کرد. در یک شیوه که از سطح خرد آغاز می‌شود با تدوین یک نظام از ایده‌ها و ارزش‌ها به شکل‌دهی نوع خاصی از کنش‌های اجتماعی و گسترش آن اقدام می‌شود و پس از مرور زمان و تکثر کنش‌ها نهادها و ساختارهای هنجاری، اقتصادی و سیاسی خاصی به شکل یک نظام اجتماعی محقق می‌شود. بعثت نبی مکرم اسلام و شکل‌گیری جامعه مدنی عصر پیامبر نمونه‌ای از این شیوه است. در شکلی دیگر که از سطح کلان جامعه شروع می‌شود، با استفاده از به‌دست گرفتن قدرت سیاسی و حاکمیت در یک جامعه به شکل‌دهی ساختارهای مناسب و کنش‌های معطوف به آن متناسب با نظام اجتماعی مطلوب اقدام می‌شود. شیوه‌ای که تقریباً در نمونه انقلاب اسلامی ایران به‌وسیله حضرت امام (ره) طی سی سال گذشته پیگیری شده است. هنگامی که نظرات ایشان را در تشکیل حکومت اسلامی مرور می‌کنیم به ژرف‌اندیشی، دقت و واقع‌بینی ایشان در شکل‌دهی به جامعه مطلوب و زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی پی می‌بریم. نظراتی که در دوره خود جزو استثنائات بوده است. ایشان در رد دیدگاه کسانی که مخالف با اقدام برای تشکیل حکومت در زمان غیبت بودند می‌فرمایند: «دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی در زمان غیبت محقق شود، این حکومت باطل است

اهداف زمینه‌های ظهور

برای تدوین راهبرد آماده‌سازی زمینه‌های ظهور، باید اهداف براساس درک درست از جهان‌بینی و ایدئولوژی، معیارها و ارزش‌های اعتقادی مشخص شود. هدف‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باید دارای ویژگی‌های ذیل باشند:

الف) بتوان به صورت کمی آنها را سنجید،

ب) واقعی باشند،

ج) بتوان آنها را درک کرد،

د) بتوان به آسانی به آنها دست یافت.

این اهداف باید در چارچوب ارزش‌های سنجیدنی باشند و به‌صورت کمی، چالش‌گر، واقعی و سازگار با دیگر هدف‌ها اولویت‌بندی شده باشند (تاجری، ۱۳۵۸: ۲۲).

اهداف آماده‌سازی زمینه‌های ظهور در نظام اسلامی عبارتند از:

۱. خودسازی فردی و اجتماعی و حرکت به سمت انسان کامل (امام زمان ع) و کسب رضایت الهی،
۲. جهت‌گیری تمام فعالیت‌ها به سمت آماده‌سازی زمینه‌های ظهور،
۳. گسترش نظارت عمومی و فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر برای هدایت انسان‌ها در تمام ابعاد،
۴. مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی برای استقرار نظامی مبتنی بر قسط و عدل،
۵. ایجاد نهضت‌های آزادی‌خواه و ظلم‌ستیز و عدالت‌خواهانه برای دفاع از نوامیس مسلمانان،
۶. گسترش فرهنگ مهدویت و خنثی نمودن برداشت‌های انحرافی از انتظار،
۷. آماده کردن خود و جامعه در ابعاد مختلف برای ظهور منجی عالم (عج) (صادق عمل نیک، ۱۳۸۷: ۲).

راه‌های زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی (عج)

الف) زمینه‌های فرهنگی ظهور با تأکید بر فرهنگ مهدویت

۱. ایجاد اتاق فکر فرهنگی و مدیریت کلان در عرصه فرهنگ مهندسی فرهنگی نظام مبتنی بر فرهنگ مهدویت باید با توجه به روند جهانی‌سازی دین طراحی شود. مخرج مشترکی که در موج جهانی‌سازی مشاهده می‌شود کم‌رنگ شدن مرزهای

و برخلاف اسلام است... آنها مغرور بودند... به بعضی روایاتی که وارد شده است، بر این امر که هر علمی بلند شود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است... در صورتی که آن روایات که هر کس علم بلند کند علم مهدی به عنوان مهدویت بلند کند... این که می‌گویند حکومت لازم نیست معنایش این است که هرج و مرج باشد... همه هم را بکشند، همه به هم ظلم کنند برای اینکه حضرت بیاید، حضرت بیاید چه کند؟ ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار نکنیم؛ اما نمی‌توانیم و چون نمی‌توانیم... باید او بیاید تا بکند؛ اما باید کار را فراهم کنیم. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک کنیم، چنان کار کنیم که عالم برای آمدن حضرت (عج) فراهم شود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۲).

با چنین تفکر و دیدگاهی است که حضرت امام (ره) به تشکیل حکومت دینی مبتنی بر احکام اسلام و باورهای مهدوی اصرار داشتند و برای اولین بار در دوران غیبت توانستند با تشکیل جمهوری اسلامی بنیان‌های تفکر مبتنی بر ظهور منجی از طریق شکل‌دهی به ساخت‌های کلان سیاسی و اجتماعی را تقویت کنند. تنها پس از این دوره است که شاهد تلاش‌هایی برای پالایش اندیشه‌های مرتبط با انتظار و مهدویت از یک سوی و ظهور و بروز برخی جنبه‌های اجتماعی این مفهوم در میان بزرگترین جامعه شیعه می‌باشیم. اگرچه این جریان طی سی سال گذشته با نوساناتی در جامعه حضور داشته است؛ ولی به نظر می‌رسد به کندی در حال تبدیل شدن به بعضی امور نهادی در برخی از لایه‌های اجتماعی مانند شکل‌گیری برخی گروه‌های غیردولتی و مؤسسات فرهنگی مبتنی بر اهداف خاص جامعه مهدوی است. همچنین به‌رغم اینکه تا تحقق یک وضعیت ایدئال که در آن مفهوم انتظار را بتوان در تمام کنش‌ها و عرصه‌های اجتماعی و جهت‌گیری‌های توسعه‌ای جامعه مشاهده کرد، فاصله زیادی وجود دارد؛ ولی تجربه‌ای که جامعه شیعه در موارد مشابه‌ای همچون مفهوم عاشورا و نهضت حسینی داشته است این امیدواری را می‌دهد که با تلاش متفکران و اندیشمندان از یکسو و برنامه‌ریزان و سیاستگذاران امور اجتماعی از سوی دیگر می‌توان به این مهم به‌رغم موانع داخلی و خارجی آن دست یافت.

ایجاد انقلاب بزرگ و به پیروزی رساندن آن دارد و با تحولات بیشتر در روحیه انسان‌ها و ساخته شدن نیروهای با صلابت می‌توان اذعان داشت یکی دیگر از زمینه‌ها فراهم آمده است. باید بدانیم که امام زمان (عج) هم به انتظار لحظه‌ای است که این تحولات درونی در قلب و روح انسان‌ها به‌وجود آمده و به حدّ کمال خود برسد تا ظهور برای حضرت میسر شود.

چنانچه افرادی که شایستگی همراهی با حضرت را داشته باشند فراهم آیند، یکی دیگر از مقدمات ظهور مهیا می‌گردد و با خودسازی این افراد نیروی انسانی انقلاب بزرگ مهدی - علیه‌السلام - تشکیل می‌گردد و حضرت با آن نیروها منویات خود را به پیش می‌برد.

پیداست، انقلابی با آن عظمت، وسعت و رسالت سترگ، انسان‌ها و عوامل بزرگی را می‌طلبد تا قادر به پیاده کردن رسالت عظیم خود باشد؛ انسان‌هایی خود ساخته و از جان گذشته، فقیه، سیاستمدار، مدیر و مدیر، مبارز و شجاع و

بنابراین ما با خودسازی و تهذیب و اصلاح خود می‌توانیم در تحول جامعه هم مؤثر بوده و در نتیجه زمینه برای ظهور حضرت بیش از پیش فراهم آید.

۳. تعلیم و تربیت فرزندان ظهور

گذشت زمان نباید بین فرزندان و تعالیم اسلامی فاصله ایجاد کرد، بلکه می‌باید روندی ایجاد شود که این امر تداوم یابد. از این‌رو تعلیم فرزندان و آشنایی فرزندان با تعالیم اسلامی و ظهور معدی موعود در درجه اول برعهده والدین است.

بسیاری از والدین کوچکترین اهمیتی آموزش مسائل دینی به فرزندان‌شان نمی‌دهند و حتی گاه پرسش‌های مذهبی آنها را بی‌پاسخ می‌گذارند و به نظرشان آموزش این مسائل جلوی پیشرفت آنها را می‌گیرد و لحظه‌ای فکر نمی‌کنند که این امور چه نقش سرنوشت‌سازی در آینده هر انسانی می‌تواند داشته باشد اگر نحوه تربیت دینی صحیح باشد، هرگز کسی را از پیشرفت باز نخواهد داشت، بلکه خود مهمترین و کوتاه‌ترین راه رسیدن به موفقیت است.

و این تصور شاید ناشی از این باشد که ما گاه خانواده‌های مذهبی را می‌بینیم که تمام سعی‌شان بر این است که تمام

جغرافیایی، نژادی و مرزهای مذهبی و ایدئولوژیک در ارتباط بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با یکدیگر است.

جهانی‌سازی با ماهیتی دوگانه به شکل پیچیده‌ای ظاهر گردیده است. از یک سو با پذیرش خرده فرهنگ‌ها در چرخه جهانی‌سازی، جهان را به‌سوی کثرت‌گرایی و تنوع فرهنگی سوق می‌دهد و از سوی دیگر با برجسته کردن یک فرهنگ خاص، فرهنگ‌ها و هویت‌های بومی و محلی را به‌چالش طلبیده است. آرنولد توین بی^۱ تاریخ‌نویس انگلیسی در کتاب «مطالعه تاریخ» می‌گوید: ما فرزندان تمدن غربی امروزه تنها به پیش می‌رویم و هیچ چیز جز تمدن‌های فرو ریخته در اطرافمان نیست ... تا آنجا که ما می‌دانیم تاکنون شانزده تمدن نابود شده‌اند و نه تمدن دیگر در حال احتضارند (گولد، ۱۳۷۶).

پس موضع کلان ما در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور تلاش برای جهانی‌سازی فرهنگ اسلام و به حاشیه راندن فرهنگ سکولاریسم^۲ است. فرهنگ اسلام مبتنی بر مبانی اندیشه مهدویت، فرهنگی جهان‌شمول است که قدرت پاسخگویی به نیازهای بشر را در همه زمان‌ها دارد؛ بنابراین فرهنگ مهدویت فرهنگی است که غایتی روشن برای جوامع بشری ترسیم کرده است و آن چیزی جز تولد دولت جهانی و عدل مهدوی نیست و وضعیت موجود و آینده بشریت نیز گسسته از آن هدف غایی که به سمت آن گام برداشته می‌شود، نیست. بر این اساس با نگاهی به فرهنگ آینده باید گام‌های فعلی را واقع‌بینانه و استوار برداشت.

آنچه مسلم است این است که با توجه به تحولات فرهنگی در عرصه جهانی نمی‌توان بدون شناخت هوشمندانه و آینده‌نگر، مهندسی فرهنگی کشور را مدیریت کرد. بنابراین مبانی آموزه‌های مهدویت به‌عنوان ایدئال‌ترین فرهنگ موجود بشری باید شاقول حرکت در مهندسی فرهنگی کلان کشور قرار بگیرد. وقتی این اتفاق مبارک در عرصه فرهنگ جامعه شکل گرفت و مهدویت به موتور تحول فرهنگی کشور تبدیل شد، به‌تبع فرهنگ فولکور جامعه نیز مبتنی بر آن آرمان خاص شکل خواهد گرفت.

۲. انقلاب و تحول روحی افراد

تغییر و تحول روحی و خودسازی و تهذیب نقش مهمی در

1. A. Toynbee

2. Secularism

معنای زندگی و غایت زندگی که در فرهنگ شیعی با وجود عنصر امام خواندنی است. فرهنگ مهدویت به عنوان یک آلترناتو قوی برای جریان توسعه تکنولوژیکی عالم و مدرنیته مادینگر در گسترش فرهنگ دینی بسیار مؤثر است. این فرهنگ با قابلیت تعامل بین علم و دین ظرفیت تأثیرگذاری و پردازش هدایت دنیا به سمت آخرت را داراست.

نظام مهندسی فرهنگی در جهان غرب مبتنی بر فرهنگ سکولاریسم، با چاشنی مادینگرایی درصدد هژمونیک کردن این دکتترین در گستره نظام اجتماعی نوین بر محور مدرنیته است، این راهبرد فرهنگی با گسترش حجم تولیدات مادی و محوریت حداکثری اقتصاد به طور مستقیم سعی در منزوی کردن و به حاشیه راندن دین در حوزه فرهنگ سازی است، در این نوع از مهندسی فرهنگی اصالتی برای فرهنگ اخلاق محور وجود ندارد. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - که در نوع خود یک رنسانس توحیدی و شورش سنت علیه مدرنیته بود - اصالت فرهنگی مبتنی بر اخلاق و عدالت شکل گرفت. پیروزی انقلاب اسلامی - که با شعار اختلاط دین و دنیا پا به عرصه نظریات مدرن گذاشته بود - بهترین سند عینی بود که تحولات نظام سازی و جهانی سازی غربی با غلبه مهندسی اقتصاد محور را به چالشی سخت دعوت کرد (مطهری، ۱۳۵۷).

امروز ما شاهد آنیم که جهان غرب برای مقابله با انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت بجای استفاده از زبان و قلم خود مجبور است از دستان و سلاح های خویش بهره جوید.

۵. تنظیم مناسبات دینی با نیازهای اجتماعی

اولویت ساماندهی فرهنگی کشور از آغازین سال های حیات انقلاب اسلامی به صورت یک خلا ایدئولوژیک نمایان بود. ضرورت طرح جامع فرهنگی و تلاش برای بازخوانی مهندسی فرهنگی و ارائه تفسیر جدیدی از آن به طور محسوس قابل رؤیت بود.

آموزه مهدویت مبتنی بر ویژگی های شهر موعود و آرمان شهر به لحاظ فرهنگی با تأکید بر خدامحوری و توسعه عدالت بهترین و تشکیل ترین الگویی بود که یک نظام اسلامی دینی می توانست به عنوان فرهنگی راهبردی آن را نصب العین خود کند. برای حرکت جامعه به سمت جامعه موعود ابتدا باید اجزاء و عناصر

مسائل دینی را به کودکانشان بیاموزند و در این راه به افراط رفته و باعث می شوند این کودکان از اموری که مقتضای سنشان است باز بمانند و نتوانند از عهد امور اجتماعی و عاطفی خود برآیند. این والدین هم اشتباه بزرگی را مرتکب شده اند، در این راه همانطور که اسلام عزیز همیشه و در هر زمینه ای میان روی و تعادل را پیشنهاد می کند نه باید افراط کرد و نه تفریط، بلکه هر چیز را باید سر جای خود به کودک به صورت کلامی یا عملی آموزش داد.

امام سجاد (علیه السلام) در خصوص فرزند می فرماید: فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ مُتَابًا عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ^۱ درباره فرزند خویش عمل کن چون عمل کسی که می داند اگر به فرزند خود احسان کند پاداش داده می شود و اگر بد رفتاری کرد مؤاخذه می گردد

بنابراین برای استحکام خانواده و طراوت جامعه بسیار به جاست که والدین گرامی در این برهه از زمان به گفتار معصومین (علیهم السلام) تمسک جویند، تا در تربیت فرزندان خود بیشتر اهتمام ورزند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در خصوص فرزند می فرماید:

الْوَلَدُ كَبِدُ الْمُؤْمِنِ إِنْ مَاتَ صَارَ شَفِيعًا وَإِنْ مَاتَ بَعْدَهُ يَسْتَعْفِرُ اللَّهُ لَهُ فَيَغْفِرُ لَهُ (طبرسی، ۱۳۶۲: ۶۲۵).

فرزند جگر گوشه مؤمن است، اگر پیش از پدر بمیرد، برایش شفاعت می کند و اگر بعد از پدر بمیرد، برایش استغفار می کند و خداوند در اثر استغفار فرزند، پدر را می بخشد.

وَأَمَّا حَقُّ وُلْدِكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ^۲

و اما حق فرزند تو، بر تو این است که بدانی وجود او از نیک و بدش در این جهان مربوط به تو است.

۴. ایجاد روح امید و پیشرفت در جامعه

از ویژگی های بارز فرهنگ مهدویت هویت بخشی به فرد و جامعه است. در نظام فکر شیعی امامت جان و جوهره سیاست و امام هویت آفرین است. یعنی به وسیله امامت است که علل اربعه زندگی یک شیعه تعریف می شود که عبارتند از: چرایی، چیستی،

۲. همان.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۶، روایت ۱.

آن معیارها، فرهنگ جامعه خویش را بازخوانی کنیم و با شناسایی نقاط ضعف و قوت فرهنگ موجود به سمت فرهنگ مطلوب و مهدویت گام برداریم.

۷. جهت‌دهی و توسعه باورهای فرهنگی جامعه

توسعه باورهای فرهنگ دینی در جامعه و در کشور نیازمند گسترش معارف مهدویت است که این خود سبب گسترش انسجام و اتحاد جامعه براساس معارف اسلامی است. از این رو لازمه این کار جهت‌دهی به ذائقه فرهنگی جامعه است که از طریق توسعه آرمان‌های دینی در جامعه قابل تحقق است.

طرح مهندسی فرهنگی جامعه مبتنی بر این رهیافت است که مجاری بکارگیری اصول و ارزش‌های اسلامی و تبلور آن، در عرصه حیات اجتماعی است و آموزه مهدویت با نقش‌آفرینی در حوزه فرهنگ با نسبت دین و توسعه فرهنگی - دین و مدیریت فرهنگی - دین و تمدن‌سازی - دین و جهانی‌سازی ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد.

توسعه فکری و فرهنگی که در سه بخش اندیشه، اخلاق و عمل است. از منظر دین زمانی محقق می‌شود که تنوع و تکثر در مسائل یاد شده همراه با انسجام بر محور تکامل توحید اتفاق افتد. بنابراین مهندسی فرهنگی راهبردی مبتنی بر آموزه‌های مهدویت از منظر فلسفه تاریخ باید به چنین تحول و توسعه‌ای در عرصه فرهنگ منجر شود، بنابراین با توجه به فرهنگ مطلوب مهدویت به رفع نقایص فرهنگ موجود پرداخته و مدیریت توسعه فرهنگ و جهت‌دهی فرهنگی معطوف به گزاره‌های مهدوی نهادینه شود (شجاعی مهر، ۱۳۸۷: ۳).

ب) زمینه‌های اجتماعی ظهور در جامعه

۱. تحول جامعه بشری

توسعه و نشر حقایق دینی و مخالفت با ظلم و جور در جامعه از وظایف مهم مسلمانان و شیعیان است. ما باید با استفاده از علم و تکنولوژی، حقایق اسلام را به گوش جهانیان برسانیم، آنها را با زیبایی‌های مکتب اهل بیت پیامبر - علیهم‌السلام - که هماهنگ با فطرت انسانی است آشنا بسازیم؛ تا همان‌گونه که در احادیث آمده است، با شناخت زیبایی‌های مکتب اهل بیت - علیهم‌السلام - و مقایسه آن با سایر مکاتب و فرهنگ‌ها، حق را از باطل تشخیص داده، از آنها دل‌کنده و به حقیقت بپیوندند

فرهنگ مهدویت را تبیین و سپس فاصله‌ای را که جامعه کنونی با آن نقطه دارد را ترسیم کرد. یعنی کاستی‌ها، بایستگی‌ها و نیازهای اجتماعی را سنجید، آنگاه برای حرکت عالم و جامعه به سمت عصر ظهور برنامه‌ریزی کرده و مدل‌سازی کنیم.

تحلیل و طبقه‌بندی مسائل و موضوع‌های فرهنگی نیازمند شناسایی فرهنگ موجود و نقاط ضعف و قوت آن با هدف نظم‌دهی، اصلاح جهت‌گیری‌ها، انجام دادن بخش‌های گوناگون دولتی و غیردولتی و ارتباط آن با نیازهای اجتماعی و نگاه نظام‌مند و جامع به مقوله فرهنگ براساس مدلی کارآمد است. این مدل پویا و کارآمد باید واجد پتانسیل‌های ایدئولوژیک مبتنی بر فضای حاکم بر یک جامعه سنتی و دینی باشد. فرهنگی که کرامت انسان، کمال بشر و تکامل تاریخ را در بطن خود پرورانده و بر مجموعه انسانی روابط کالایی و مبادله‌ای را حاکم نکرده باشد (شجاعی مهر، ۱۳۸۷: ۲).

۶. ترمیم فرهنگ موجود براساس فرهنگ مطلوب (مهدویت)

مهندسی فرهنگی مهدویت مفهومی وسیع‌تر و کلان‌تر از مفهوم کنترل اجتماعی است که طراحی، تدوین و توسعه نظام ارزشی یک جامعه به‌گونه‌ای که در پرتو تجلی فرهنگ مهدویت بتوان آن جامعه را از منظر اقتصادی - اجتماعی و همه ابعاد و شئون زندگی توسعه داد. بنابراین فرهنگ مهدویت با مرمت فرهنگی، به ساخت اجتماعی آن هم نظر دارد. به این معنا که مهندسی فرهنگی به مهندسی اجتماعی می‌انجامد.

مهندسی فرهنگی لایه‌های زیرین فرهنگی جامعه را ترمیم می‌کند و مهندسی اجتماعی چگونگی ساختار اجتماعی یک جامعه را ترسیم می‌کند.

مهندسی فرهنگی مهدویت به لحاظ معرفتی نوعی کنترل نامحسوس اجتماعی را می‌سازد که با تأثیر در لایه ذهنی جامعه به دنبال قاعده‌مند کردن رفتار فرد یا گروه براساس معیارهای آموزه مهدویت است. پس فرهنگ مهدویت با ترمیم و تنظیم لایه‌های زیرین فرهنگی جامعه به بهسازی اجتماعی نیز کمک می‌کند.

زمانی سکان مهندسی فرهنگی ما براساس جامعه موعود ساماندهی خواهد شد که مختصات فرهنگ مهدویت و جامعه آرمانی مهدوی را به دقت رصد و ارزیابی کرده و سپس براساس

«مکتب تشیع، همواره یک آرزوی مقدسی را در قلب پیروان خود می‌پروراند؛ و آن، آرزوی ظهور حضرت حجت - علیه‌السلام - و ریشه کن کردن ظلم و ستم و سیطره عدل و داد بر این جهان است. آرزو اساسی‌ترین محرک یک انسان در فعالیت‌های روزمره اوست. انسانی که آرزو، طلب و خواسته‌ای نداشته باشد، یک مرده متحرک است. افراد آرزوهای مختلفی دارند. مکتب تشیع به پیروان خود تعلیم می‌دهد که آرزوی اصلی و اساسی آنان ظهور حضرت حجت - علیه‌السلام - باشد؛ چرا که اگر او ظهور کند، همه مشکلات رفع می‌گردد؛ تمام مشکلات وقتی حل می‌شود که مدینه فاضله آن حضرت به دست مبارک او پیاده شود (چمران، ۱۳۷۷: ۳۳).

۳. تربیت انسانها و پرورش روح عدالت خواهی

در نهاد هر انسانی - در منطق قرآن کریم - ریشه عدالت خواهی نهاده شده و بذره‌های اساسی عدالت‌گرایی و ستم‌ستیزی پاشیده شده است.

در سوره‌های نخستین قرآن، که در مکه معظمه بر قلب پیامبر خاتم (ص) فرود آمده و در آغاز حرکت پرخروش پیامبر اسلام (ص) بر تمام جهانیان مطرح شده، هر انسانی ساخته و پرداخته خدای عادل است. ذات انسان به گونه‌ای ساخته شده که به‌طور همسان فجور و تقوایش به او الهام شده است اعتدال و انحراف از عدالت را در درون خود به‌خوبی می‌بیند و می‌یابد و عدالت‌گرایی در نهاد او قرار داده شده است.

ولی گرایش همزاد به سمت فجور و انحراف نیز در وجود او تعبیه شده است تا با کمال آزادی و اختیار، راه صحیح را خود انتخاب کند و با این انتخاب خودش را بیابد و به دست آورد و خود انسانی شایسته و بایسته گردد.

آبیاری روح عدالت‌خواهی و پرورش روحیه عدالت‌پروری به‌وسیله قوانین الهی شایسته و رهبران الهی ستم‌ستیز و ستم‌سوز که تمام ستم‌ها را از درون خود زدوده و مسیر عدالت‌خواهی و اعتدال را درون خود طی کرده و اسوه‌هایی شایسته در مسیر عدالت‌پروری به بالندگی و رشد خود ادامه می‌دهند، انسان‌ها را در این مسیر بسیار سخت و پرسنگلاخ همراهی کرده و با الگودهی و راهنمایی و راهبری دست آنان را به دامان پر مهر

و آن زمان که مردم جهان با دروغگویی‌های حکام هواپرست و جاه‌طلب آشنا و بر ناتوانی آنها از سعادت‌مندی جامعه بشری آگاه شدند، قهراً مستأصل شده و به‌دنبال یک منجی مصلح بوده و خود به خود برای پذیرش حق و حقیقت آمادگی پیدا می‌کنند و قدر آن منجی را ارج می‌نهند (میر سندسی، ۱۳۸۷).

اصولاً باید توجه داشت که یکی از علل غیبت امام عصر - علیه‌السلام - نیز، عدم آمادگی مردم برای پذیرش حق و حقیقت بوده است. چرا که بر اثر جهل مردم و ظلم حکام زمان، همه ائمه قبلی یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند، بنابراین برای حفظ حجت الهی و خالی نماندن زمین از وجود آن، دوران غیبت شروع و تا فراهم شدن زمینه ظهور ادامه خواهد داشت.

اگر برای جامعه بشری این آمادگی‌ها و آگاهی‌ها حاصل نشود، حضرت تشریف بیاورند، آن حضرت نیز مانند امامان معصوم سابق به شهادت خواهد رسید. بنابراین رشد و آگاهی عموم مردم محروم و مستضعف، می‌باید به درجه‌ای برسد که نور وجود امام را لمس کرده، مانند پروانه گرد شمع وجود او گرد آیند. باید درجه رشد و آگاهی آنان به حدی برسد که از مدعیان حقوق بشر و دموکراسی، ناامید شده و همه منتظر ظهور منجی بزرگ الهی باشند.

۲. انتظار سازنده

افضل اعمال امتی انتظار الفرج^۱؛ برترین اعمال امت من، امید و انتظار گشایش (کارها و گرفتاری‌ها به دست با کفایت حضرت مهدی - علیه‌السلام -) است (گلپایگانی، ۱۴۷۴: ۶۲۹). «انتظار الفرج عباد^۲» انتظار فرج عبادت است.

انتظار سازنده و صحیح، مکتب انسان‌سازی و انقلاب است. انتظاری که برترین اعمال امت پیامبر شمرده شده است، ریشه و اساس دو نکته مذکور (خودسازی افراد و ساختن جامعه) است. تا امید و انتظار و در نتیجه صبر و تحمل مشکلات نباشد، انسان قادر به خودسازی و دیگر سازی نیست. انتظار به انسان امید و عشق می‌بخشد، توان، حوصله، حرکت و تلاش می‌دهد؛ در نتیجه، افراد را امیدوار، شاداب، پرتلاش و هدفمند بار می‌آورد؛ یعنی همان چیزی که لازمه فراهم آوردن مقدمات انقلاب بزرگ و جهانی حضرت مهدی (عج) است.

۲. الزام الناصب، ص ۱۳۷ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲

۱. نهج الفصاحة، ص ۷۸، منابع الموده، ج ۳، ص ۱۶۹.

می‌برد. در واقع برنامه‌ریزی سنگ بنای فرآیند تدوین و اجرای راهبردهای اثربخش به‌شمار می‌آید. از این مسئله مهم مدت‌ها غفلت شده است. برنامه‌ریزی برای آماده‌سازی زمینه‌های ظهور، برای اجرا و ارزیابی موفقیت‌آمیز راهبرد آماده‌سازی ضرورت دارد که احتمال دستیابی به هدف‌های از پیش تعیین شده را بالا می‌برد. در برنامه‌ریزی باید اهدافی را که می‌توان اندازه‌گیری کرد و دست‌یابی به آن آسان است، دقیقاً مشخص شود. برای پیشرفت برنامه‌های آماده‌سازی باید افراد معتقد و متخصص و آگاه به اهداف و راهبردهای آماده‌سازی، آن را ارزیابی کنند.

در هر برنامه‌ای باید راه‌کارهای مختلف برای پیشرفت موفقیت‌آمیز مشخص گردد و معیارهای کمی برای ارزیابی برنامه‌ها تعریف شود. باید در موارد بحرانی به‌طور مناسب و به‌موقع تصمیم گرفت و بودجه مورد نیاز را برای اجرای فعالیت‌ها و طرح‌های مورد نیاز تخصیص داد. به‌طور کلی، موفقیت در مسیر آماده‌سازی زمینه‌های ظهور، به بسیج نیروها، تحقیقات علمی، تشخیص درست معیارها و ارزش‌ها، مشخص کردن مأموریت و اهداف، تدوین و اجرای راهبردها و اعمال نظارت و کنترل در برنامه‌ریزی خوب و مناسب، بستگی دارد (صادق عمل نیک، ۱۳۸۷: ۴).

پیداست، که این امور مهم و سنگین، بدون داشتن قدرت و مکننت، تحت لوای یک دولت قدرتمند، امکان‌پذیر نیست. بنابراین می‌بایست، در حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی و به ثمر رسیدن اهداف آن، به عنوان زمینه‌ساز قیام حضرت مهدی (عج)، تلاش همه‌جانبه کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

انتظار یکی از مهم‌ترین و پرارزش‌ترین وظایف و تکالیف

عالت علوی و محمدی رسانده و همان‌طور که صدای رسای علوی را گسترش داد الهی فرمود:

«من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق^۱».

«تمام کسانی که از داد و عدل در تنگنا قرار می‌گیرند، ستم و ظلم بر آنان تنگ‌تر و آنان را گرفتارتر خواهد نمود».

۴. برپایی قیام‌ها و انقلاب‌های ظلم‌ستیز و عدالت‌خواهانه

از اموری که باعث تسریع در انقلاب جهانی حضرت مهدی - علیه‌السلام - شده و موجب بیداری، آگاهی... جامعه جهانی و در نتیجه فراهم آمدن زمینه ظهور می‌گردد قیام‌ها و انقلاب‌های اسلامی و بیدارگرایانه است. یکی از این انقلاب‌ها که تأثیر بسزایی در این رابطه داشته و موجب مطرح شدن اسلام و فرهنگ تشیع در بین مردم جهان گردیده، انقلاب بزرگ ملت ایران به رهبری بزرگ مردی از سلاله پیامبر - صلی‌الله‌علیه و آله - می‌باشد. با مطالعه روایات، چنین به نظر می‌آید که این انقلاب، همان حرکت آگاهی‌بخش و زمینه‌ساز قیام حضرت مهدی (عج) است؛ چنانکه روایات گوناگونی که بعضی از آنها در توصیف رهبر این قیام، و بعضی در وصف مردم و قیام‌گران، و اینکه از چه منطقه‌ای و... هستند، وارد شده است.

بنابراین از وظایف و مسئولیت‌های ماست که از این انقلاب پاسداری کرده و در ترویج و پربرتر کردن آن بکوشیم، اهداف آن را زنده و در راه تحقق آنها تلاش کنیم. تا آن شاء الله، با آگاه ساختن مردم جهان، از ظلم و ستم مستکبران، آشنایی هر چه بیشتر آنان با فرهنگ اسلام و اهل بیت و... زمینه ظهور حضرت قائم (عج) را فراهم آوریم^۲ (علی کورانی، ۱۴۰۵: ۹۵).

۵. برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی، پلی است بین وضعیت فعلی آماده‌سازی و آینده آن که احتمال دستیابی به هدف‌های از پیش تعیین شده را بالا

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵.

۲. این احادیث زیادند، از جمله:

(الف) حدیث «حتی یأتی قوم من قبل المشرق...»، ملاحم رفتن، ابن طاووس، ص ۳۰ و ۱۱۷.

(ب) حدیث «رجل من أهل قم...»، بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۶ و ۴۴۶.

(ج) حدیث «تكون قم وأهلها حجة على الخلاق...»، بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۳.

(د) حدیث «يخرج رجل قبل المهدي...»، كنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۱ و...

(ه) حدیث «ليضربنكم على الدين عوداً...»، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۱۲۸۴.

(و) حدیث «كنوز الطالقان...»، كنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۳ و...

(ز) حدیث «الهاشمی الخراسانی و شعيب...»، ابن طاووس فی الملاحم و الفتن، ص ۳۱.

(ح) فی تفسیر قوله تعالی: «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَاداً لَنَا»، بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۴.

(ط) فی تفسیر قوله تعالی: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ»، كشاف، ج ۴، ص ۳۳۱ و المیزان، ج ۱۸، ص ۲۵.

(ی) فی تفسیر قوله تعالی: «وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ»، الجامع الصحیح، ج ۲، ص ۳۸۳ و مسند احمد، ج ۲، ص ۴۱۷ و...

نیازهای آن،
- زیر نظر داشتن و شناسایی نقشه‌های احتمالی دشمنان اسلام و مسلمین در زمینه فرهنگ انتظار و مقابله مناسب با آنها،
- به حداقل رساندن امکان پیدایش انحراف‌ها در همه زمینه‌ها و به‌ویژه در حوزه فرهنگ انتظار با اجرای همه‌جانبه احکام و حدود الهی،
- اصلاح نگرش‌ها و بینش‌های انحرافی نسبت به حضرت (عج) و عصر ظهور،
- بالاخره محو زمینه‌های ظهور مدعیان کاذب مهدویت در جامعه اسلامی.

منابع:

- آیت‌الله صافی گلپایگانی. (۱۴۷۴). «منتخب‌الآثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام». طهران، مکتبه البوذر جمهری.
- تاجری، حسین. (۱۳۵۸). «انتظار، بذر انقلاب، یادی از قیام جهانی امام مهدی (ع)». تهران، بدر.
- جمعی از سخنرانان. (۱۳۸۰). «گفتمان مهدویت»، قم مؤسسه فرهنگی انتظار نور، ج ۱ و ۲.
- جمعی از سخنرانان. (۱۳۸۵). «گفتمان مهدویت»، قم مؤسسه فرهنگی انتظار نور، ج ۵.
- چمران. (۱۳۷۱). «مجموعه سخنرانی چمران در مورد انتظار»، مجله موعود، شماره ۱۲ و ۱۳.
- خادمی شیرازی، محمد. (۱۳۶۵). «یادمهدی»، تهران، مؤسسه نشر و تبلیغ.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). «صحیفه نور»، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شجاعی مهر، رضا. (۱۳۸۷). «بایسته‌های فرهنگی مدیریت»، برگرفته از سایت خبری آینده روشن.
- شریعتی، علی. (۱۳۵۶). «انتظار»، تهران، ابوذر.
- صادق عمل نیک، مرتضی. (۱۳۸۷). «طرح راهبردی آماده‌سازی زمینه‌های ظهور». برگرفته از سایت خبری آینده روشن.
- صافی، لطف‌الله. (۱۳۵۷). «انتظار عامل مقاومت و حرکت»، قم، شفق.
- طبرسی، حسین بن فضل. (۱۳۶۲). «مکارم الاخلاق»، ای پسر مسعود: پندهای گرانبمایه پیامبر اکرم (ص) به ابن مسعود، تألیف رضی‌الدین ابونصر بن‌الفضل الطبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۲
- کورانی، علی. (۱۳۸۱). «عصر ظهور»، مترجم عباس جلالی، قم، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- کورانی، علی. (۱۴۰۵). «المهدون للمهدی». قم مکتب الاعلام الاسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). «بحار الانوار ج ۵۲»، لبنان (بیروت)، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). «قیام و انقلاب مهدی»، تهران، حکمت، چاپ پنجم.
- میرسندسی، محسن. (۱۳۸۷). «نظام و ساختار دولت منتظر از دیدگاه جامعه شناختی»، برگرفته از: <http://monjee.com/news/?p=455>
- نیلی‌پور، مهدی. (۱۳۸۶). «انتظار و وظایف منتظران»، قم، انتشارات سلسبیل.

شیعه در عصر غیبت موعود جهان است و بررسی کارکردهای آشکار و پنهان آن به دلیل آثار عمیقی که در زندگی فردی و اجتماعی بشر دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از مهمترین آسیب‌های فرهنگ انتظار، بی‌توجهی به وظایفی است که مسلمانان و به‌ویژه شیعیان در عصر غیبت بر عهده دارند. همان‌طور که گفته شد ریشه بسیاری از آسیب‌های انتظار در عدم تربیت اسلامی و رعایت حدود و احکام الهی است. بنابراین برای جلوگیری از انحرافات مطرح شده، باید زمینه‌های خودسازی و آشنایی با فرهنگ اصیل اسلامی را که برخاسته از قرآن و ائمه معصومین (ع) است، در جامعه فراهم کرد. یکی از انحرافات مهم در زمینه انتظار، ظهور مدعیان مهدویت است.

بی‌اطلاعی عامه مردم از مفاهیم دینی، زودباوری و ساده‌لوحی مسلمانان و همچنین اعتقاد به مهدی باوری از یک سو و حمایت قدرت‌های استکباری از جریان‌های انحرافی مهدویت از سوی دیگر، به پذیرش این‌گونه انحرافات دامن زده است. بنابراین شناسایی و مقابله با این جریان‌ها بسیار مهم و ضروری است. سکوت در برابر ظلم و ستم افراد یا حکومت‌های جائر و بدتر از آن کمک و هم‌نوایی با آنان برای گسترش فساد با نیت فراهم شدن شرایط ظهور! عواقب وخیمی برای جهان اسلام داشته است. برای مقابله با این‌گونه آسیب‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌توان:

- شناساندن سیمای واقعی امام‌وویژگی‌های فرهنگ انتظار به مردم،
- بالا بردن و تقویت تقوا و بصیرت دینی مردم با رویکرد تعلیم و تربیت دینی و اسلامی،
- تفهیم لزوم و ضرورت تأسیس و حفظ حکومت اسلامی و دینی در جامعه به مردم به‌خصوص در عصر حاضر،
- مطرح کردن و باز نمودن مباحث ولایت فقیه برای آحاد جامعه و رفع شبهه از آن،
- آشکارسازی نقش و اهداف سیاست‌های استکباری در ترویج مهدویت‌های کاذب در جامعه
- مورد توجه قرار دادن شرایط زمانی و مکانی عصر غیبت از نظر مقتضیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و شناسایی